

سیره اخلاقی پیامبر اعظم (ص)

<?xml encoding="UTF-8">

چکیده

اخلاق اسلامی سرمایه گرانبها و جاودانه زندگی دنیا و آخرت است ، ضروری است برای شکوفایی نهال اخلاقی و رشد بذر فضایل انسانی از سیره و دستور العمل اسوه های جامع و کامل پیروی کرد، پیامبر اعظم (ص) اول شخصیت معنوی و اخلاقی جهان هستی است که مدارج و مراحل عالی انسانیت را پیموده و بهترین الگو برای ملکات فاضله نفسانی است . مقاله حاضر، زوایایی از شخصیت اخلاقی پیامبر (ص) را به طور عام به تصویر کشیده است .

کلیدواژه ها: سیره - اخلاق - پیامبر

مقدمه

توسعه اجتماعی و پیشرفت صنعتی بدون اصلاح و تربیت روح انسان ها ساختمان مجلی را می ماند بر دامنه کوه آتشفشان ، که با فوران نابهنگام گدازه ها، فرو می ریزد و متلاشی می شود. مرگ ارزش های اخلاقی و غفلت از «اصل تربیت و پرورش روح» بر اساس موازین و معیارهای فطری بشر، بزرگ ترین چالش فرهنگی و اجتماعی است که گریبان جوامع صنعتی را محکم گرفته است .

انسان عصر مدرنیته با کسب دانش و مهارت ، جهان طبیعت را مسخر خود ساخته ، اما از تسلط بر خویشتن ، کنترل خواسته های درونی ، کشف و به کارگیری توانایی های عظیم روحی و معنوی خود باز مانده است .

جامعه توسعه یافته امروز نیازمند آن است که با نور معنویت و اخلاق ، فروغی بگیرد و خود را از ظلمتکده گمراهی برهاند. جوامع اسلامی نیز به احیای ارزش های والای دینی و بازگشت به اصول اخلاقی سخت نیازمند است و با جدیت می توان گفت که شرط لازم حاکمیت دین در دنیای امروز گسترش و نهادینه سازی اخلاق در طبقات مختلف مردم با الگوگیری از سیره اخلاقی پیامبر اعظم (ص) است .

مفاهیم : سیره به معنی سنت ، روش و طریقه است اخلاق در لغت جمع خلق به معنی صفات روحی و باطنی و ملکات نفسانی است و در اصطلاح به تعبیر امام خمینی (ره) «حالتی است در نفس ؛ که انسان را دعوت به عمل می کند بدون رویه و تفکر، مثلاً کسی که داری خلق سخاوت است آن خلق او را وادار به «جود» و انفاق می کند بدون آن که مقدماتی تشکیل دهد.» در عرف رایج جامعه و نظام اسلامی نیز اخلاق عبارت است از: صفات نیک ، فضائل و آراستگی های باطنی .

اصولاً بحث های اخلاقی اسلامی بیشتر بر محور تثبیت و تقویت بایدها و محو نبایدهاست و این اخلاق پسندیده از قرآن و سنت پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) سرچشمه می گیرد و ارتقای معنوی و آسایش اجتماعی در جامعه اسلامی به برکت آن به دست می آید.

قرآن کریم ، هدف بعثت را، تزکیه و تهذیب روح ، و ترویج و نهادینه سازی فضائل انسانی در جان آدمی معرفی کرده است و در آیات متعددی تزکیه و پرورش را بر تعلیم و آموزش مقدم شمرده است . از سوی دیگر خداوند پیامبر اعظم (ص) را در میان انبیای الهی به صفت خلق نیکو و عظیم ستوده است . و پیامبر اسلام نیز به صراحت هدف بعثت مبارکش را تکمیل و تمیم اخلاق و فضائل انسانی اعلام نمود و به پیروانش این گونه سفارش کرد که «اخلاق پسندیده برای شما لازم است و خداوند برای همین اصل مرا مبعوث فرموده است .»

گرچه سخن گفتن و نوشتن درباره صفات اخلاقی پیامبر کاری است بس دشوار، آن چنان که :

یک دهان خواهم به پهنای فلک

تا بگویم وصف آن رشک ملک

ولی مایوس هم نباید بود و به اندازه توان خود برای معالجه دردهای مزمن روحی و اخلاقی جامعه از

گنجینه عظیم کمالات و فضایل اخلاقی پیامبر باید استفاده کرد.

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

اکنون برگه هایی از کتاب قطور و گرانسنگ صفات و رفتارهای گوناگون و پسندیده اخلاقی دوران زندگی پیامبر

اعظم (ص) را با یکدیگر می خوانیم تا ضمن پی بردن به گوشه هایی از فضایل و کمالات پیامبر اسلام (ص) با

پیروی و بهره گیری از رفتارهای آن بزرگوار راه رسیدن به خوشبختی را هموار سازیم .

1. ساده زیستی رهبر بزرگ جهان اسلام از نظر امکانات مادی و زندگی همپراز طبقات پایین جامعه آن روز زندگی

می کرد و از تنوع طلبی و تجمل گرایی پرهیز داشت . حضرت علی (ع) زهد و پارسایی و ساده زیستی پیامبر را

چنین توصیف می فرماید: «پیامبر از دنیا چندان نخورد که دهان را پر کند و به دنیا به گوشه چشم نگریست ، دو

پهلوی از تمام مردم فرو رفته تر و شکمش از همه خالی تر بود.... پیامبر با دل از دنیا روی گرداند

و یادش را از جان خود ریشه کن کرد و همواره دوست داشت تا جاذبه های دنیا از دیدگانش پنهان

ماند. و از آن لباس زیبایی تهیه نکند. و آن را قرارگاه دائمی خود نکند.»

«پیامبر دنیا را کوچک شمرد و در چشم دیگران آن را ناچیز جلوه داد. آن را خوار می شمرد و در نزد دیگران خوار و

بی مقدار معرفی فرمود؛ و می دانست که خداوند برای احترام به ارزش او دنیا را از او دور ساخت و آن را برای

ناچیز بودنش به دیگران بخشید. پیامبر از جان و دل به دنیا پشت کرد و یاد آن را در دلش میراند. دوست می

داشت که زینت های دنیا از چشم او دور نگهداشته شود تا از آن لباس فاخری تهیه نسازد یا اقامت در آن را

آرزو نکند.

2. مهرورزی برجسته ترین شاخصه سیره اخلاقی پیامبر رحمت ، عطوفت و محبت ایشان است محبت و

صمیمیت پیامبر (ص) به قدری گسترده بود که نزدیک ترین افراد خانواده ، اصحاب و یاران و حتی اسیران

دشمن و گناهکاران تحت الشعاع پر مهر و صمیمیت و مهربانی پیامبر قرار می گرفتند، قرآن رمز موفقیت

رهبری و پیامبری رسول اعظم (ص) را همین صمیمیت ، مهربانی و عطوفت او می داند. آن

حضرت پیوسته جویای حال اصحاب خود بود، اگر سه روز یکی از آنان را نمی دید احوال او را می پرسید، اگر در مسافرت بود در حقش دعا می کرد، اگر حضور داشت به دیدارش می شتافت و اگر در بستر بیماری قرار داشت به عیادتش می رفت .

دیگر جلوه مهربانی پیامبر رفتار صمیمانه ایشان در برابر کودکان بود که جداگانه به آن خواهیم پرداخت . کودکانی را که برای دعا یا نامگذاری خدمت حضرت می آوردند، برخی اوقات طفل در دامن پیامبر بول می کرد اطرافیان با لحن عتاب آلود به کودک فریاد می زدند اما پیامبر آن ها را از این کار منع می کرد و می گفت بگذارید طفل آزاد باشد. هنگامی که مراسم دعا یا نام گذاری به پایان می رسید پیامبر لباس خود را تطهیر می کرد.

نمونه ای دیگر از جلوه های مهربانی پیامبر، رفتار هدایتگرانه و صمیمانه او با اسیران جنگی است . در یکی از سریه ها، رئیس اهل یمامه را اسیر کرده و نزد حضرت آوردند. حضرت هر روز برای او غذا می فرستاد و او را به اسلام دعوت می کرد. روزی به او فرمود: من تو را در انتخاب کردن یکی از سه چیز مخیر می کنم : اول آن که تو را بکشم . در جواب گفت اگر چنین کنی بدان که شخصیت بزرگی را به قتل رسانده ای . فرمود: دوم آن که مالی را عوض خود فدیة بدهی و آزاد شوی . گفت قیمت من گران است و قوم من باید مبلغ زیادی را برای آزادی من تحمل کنند. آنگاه رسول خدا (ص) فرمود: راه سوم آن است که بر تو منت گذارم و آزادت کنم . گفت اگر چنین کنی مرا فردی سپاسگزار خواهی یافت . پیامبر دستور داد او را آزاد کردند. وی پس از ایمان آوردن گفت : قسم به خدا، هنگامی که تو را دیدم دانستم که پیامبر هستی و هیچ کس را در جهان بیشتر از تو دشمن نداشتم و اکنون تو محبوب ترین افراد نزد من هستی .

3. معاشرت عمومی پیامبر اکرم (ص) هر گاه به مجلسی وارد می شد در نزدیک ترین جای خالی می نشست جلسات او با اصحاب بی آرایش و حلقه وار بود به گونه ای که اگر کسی از بیرون وارد می شد پیامبر را نمی شناخت ، اجازه نمی داد کسی پیش پایش بایستد، هرگز پای خود را پیش اصحاب دراز نمی کرد وقتی در حضور فردی می نشست تا قبل از رفتن او لباس و زینت خود را از تن خارج نمی کرد. با غنی و فقیر یکسان مصافحه می کرد و دست خود را نمی کشید تا طرف دست خود را بکشد. هنگامی که مردم این موضوع را فهمیدند وقتی با آن حضرت مصافحه می کردند، به فوری دست خود را از دست آن حضرت می کشیدند. هر گاه بر مرکبی سوار می شد دیگری را هم سوار می کرد. در جمع اصحاب و یاران متناسب با موضوعات مطروحه سخن می گفت . یکی از یاران پیامبر می گوید چون با رسول خدا (ص) می نشستیم ، اگر از آخرت سخن می گفتیم او نیز با ما راجع به آن صحبت می فرمود و اگر راجع به دنیا و یا خوردنی و آشامیدنی ها بحث می شد درباره همان موضوع با ما گفتگو می کرد. به اصحاب خود می فرمود بدی های یکدیگر را پیش من بازگویی نکنید. زیرا من دوست دارم با دلی آرام و خالی از کدورت نزد شما بیایم . و هر گاه از مجلسی بر می خاست می فرمود: سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ .

4. آراستگی ظاهری بارزترین صفت پسندیده پیامبر اعظم (ص)، آراستگی ظاهری و نظافت او بود. حضرت نه تنها برای خانواده بلکه برای اصحاب و مردم نیز خود را می آراست . قبل از بیرون آمدن از منزل به آینه یا آب نگاه می کرد و موی سر را شانه می زد. روزهای جمعه ناخن و موی شارب را کوتاه می کرد و یک لباس

مخصوص روز جمعه داشت . بیشتر لباس های حضرت سفید بود، البته لباس سبز را هم دوست داشت . می فرمود: زنده های خود را سفید بپوشانید و مرده های خود را با آن دفن کنید. از از پوشیدن چیزی که رنگ سیاه داشته باشد کراهت داشت مگر عمامه ، کفش و عبا.

هزینه عطریات او بیشتر از خوراکش بود بهترین عطر نزد او مشک بود، یک ظرف مخصوص عطر داشت و پس از هر وضو بلافاصله خود را معطر می ساخت ، هر گاه از محلی عبور می کرد عابری از بوی عطرش به وجود و حضور مبارکش پی می بردند.

5. سخن گفتن پیامبر گرامی اسلام (ص) اکثر اوقات ساکت بود، هیچ گاه سخن دیگری را قطع نمی کرد و جز در مواقع ضرورت سخن نمی گفت . هر گاه اراده سخن می کرد با حالت تبسم لب ها را به آرامی برای سخن گفتن باز می کرد. گفتارش فصیح و شیرین بود، مطالبش کوتاه و کلماتش به یکدیگر پیوستگی داشت ، مطالبش را برای تفهیم به مخاطب شمرده بیان می کرد تا شنونده آن را به خوبی به حافظه بسپارد.

هیچ گاه به جای سخن گفتن با چشم و ابرو به کسی یا چیزی اشاره نمی کرد و هر گاه در برابر مخاطب قرار داشت ، به گوشه چشم به او نگاه نمی کرد، خطبه هایش همیشه کوتاه بود و هیچ گاه مطلب بیهوده ای بیان نکرد. جز برای اجازه ورود به منزل اشخاص یا صدا زدن فرد خاصی کلام خود را تکرار نمی کرد.

6. مزاح و خنده رویی پیامبر همواره خوش رو بود و بدون این که بخندد تبسمی بر لب داشت ، حضرت برای خشنود ساختن با بیان مطالب حق و پرهیز از بیهوده گویی یا مطالب خلاف واقع ، همراه با عفت کلام و بدون استهزاء، تمسخر یا تحقیر به منظور شادمانی و مسرور ساختن اصحاب شوخی می کرد و انگیزه حضرت این بود تا اصحاب و یارانش مقهور جذبه معنوی ، عظمت و بزرگی الهی دینی او نگردند و بتوانند به راحتی با او مءنوس شوند و حاجت های خود را بیان نمایند؛ همچنان که امام صادق (ع) به یکی از یاران خود سفارش کرد که به پیروی از سیره پیامبر با برادران دینی خود مزاح نمایند. روزی خادم رسول خدا برای شتران همسر او آواز حُدی می خواند تا شتران با سرعت حرکت کنند. پیامبر با واژه لطیف و زیبا به غلام فرمود «با شیشه ها مدارا کن»؛ یعنی مراقب باش چون زنان لطیف و ضعیف هستند ممکن است بر اثر سرعت حرکت شتر بترسند و بیفتند و آسیب ببینند. و نیز یک روزی به کودکی فرمود: ای صاحب دو گوش ، فراموش مکن .

7. ادب سفره و طعام پیامبر همچون سایر افراد و غلامان و خادمان در کنار سفره می نشست و بر خلاف سیره متکبران و پادشاهان هنگام تناول طعام به هیچ چیزی تکیه نمی زد، بلکه روی زمین یا فرش می نشست . هر گونه طعامی که خدا حلال کرده بود تناول می فرمود: به هیچ غذایی دست رد نمی زد و مدح و تعریف بی جهت هم از غذاها نمی کرد. همواره با اهل بیت و خدمتگزار منزل خود غذا میل می کرد. هر گاه میهمان برای حضرت می آمد و یا بردگان او را دعوت می کردند، با آن ها غذا میل می فرمود و پس از تناول انگشتان خود را تمیز می کرد. هرگز بر اثر پرخوری و یا سیری شکم آروغ نزد.

8. انجام کارهای شخصی با این که در منزل حضرت ، همسران ، و گاه خدمتکاران حاضر بودند کارهای شخصی خود را به هیچ فردی واگذار نمی کرد. کفش و لباسش را با دست خویش وصله می کرد گوسفندان را

می دوشید، درب خانه را خود باز می کرد، مایحتاج خانه اش را از بازار تهیه می کرد و خود به سوی خانه حمل می نمود و آب وضوی شبش را خود تهیه می کرد.

9. جلوه ای از نظم سراسر زندگی پیامبر بر نظم و انضباط استوار بود و یکی از جلوه های نظم او این بود که اثاث و اشیاء و حیوانات خود را به اسم خاصی نام گذاشته بود. اسم پرچمش «عقاب» و شمشیرش که در جنگ ها همراهش بود «ذوالفقار» و دیگر شمشیرهایش «مخذوم»، «رسوب» و «قضیب» بود، کمانش «کتوم» و جعبه تیرش «کافور» نام داشت .

ناقه آن حضرت «عصباء»، استرش «دلذل» و الاغش «یعفور» و گوسفندی که از آن شیر می آشامید «عنیه» نام داشت .

10. همیاری و تعاون پیامبر اسلام هم مسلمانان را به همکاری و همیاری سفارش می کرد، هم خود در کارهای عمومی شرکت می جست . هنگامی که پیشنهاد پیامبر، مبنی بر ساختن مسجد النبی مورد تائید و قبول همگان قرار گرفت ، پیامبر نیز مانند برخی دیگر از مسلمانان سنگ ها را برای ساختمان سازی حمل می کرد. در جنگ خندق نیز پس از سازماندهی لشکر برای حفر خندق ، خود نیز کلنگی را گرفت و در قسمتی به حفر خندق مشغول شد و حضرت علی نیز خاک ها را به بیرون انتقال می داد.

در یکی از مسافرت های دسته جمعی ، برای پختن غذا هر کسی مأموریت یافت تا بخشی از کار تهیه غذا را انجام دهد. پیامبر نیز به سوی صحرا رفت تا خار و خاشاک برای آتش مهیا کند. هنگامی که اصحاب خواستند مانع شوند فرمود: خداوند دوست ندارد بنده اش را در میان یارانش با وضعی ببیند که برای خود نسبت به دیگران امتیازی قائل شده باشد.

11. انفاق و سخاوت پیامبر اعظم (ص) سخی ترین مردم بود. هرگز در هم و دینار نزد او نمی ماند، اگر چیزی پیش آن حضرت زیاد می آمد تا آن را به کسی یا مستحق نمی رساند به خانه نمی رفت ، هر چه از ایشان می خواستند عطا می کرد. یکی از همسران پیامبر می گوید رسول خدا هرگز سه روز پی در پی سیر نبود تا این که از دنیا رفت و اگر می خواستیم ، می توانستیم گرسنه نباشیم اما ایثار می کردیم .

12. حلم کنترل خشم و بردباری در برابر رویدادها و حوادث چه در عرصه اجتماعی و چه در محیط خانواده از جمله ویژگی های اخلاقی پیامبر بود. انس بن مالک خادم حضرت می گوید: برای افطار و سحری رسول خدا (ص) شیر فراهم می کردم . یک شب پیامبر دیر به خانه آمد من فکر می کردم آن حضرت به مهمانی رفته و افطار کرده است ، شیر را خوردم . چیزی نگذشت که آن حضرت آمد و مشخص شد که افطار نکرده است ، وقتی حضرت از جریان اطلاع یافت ، اصلاً مطلبی بیان نکرد و با خوشرویی و گرسنگی شب را به روز آورد و روزه گرفت .

13. عفو و گذشت رسول خدا به عنوان مظهر انسان کامل ، بالاترین مصداق فضائل و کرامت های انسانی است . یکی از نمونه های «خلق عظیم» پیامبر عفو و گذشت او بود که شامل همه انسان ها اعم از

مومنان و مخالفان بود. آنچنان رثوف بود که هیچ گاه در فکر انتقامجویی حتی از دشمنان و معاندان نبود. از این رو در تاریخ زندگانی مبارکش از هیچ فردی انتقام نگرفت. هنگام فتح مکه وقتی پرچم در دست سعد بن عبادہ قرار داشت و اشعار انتقامجویی را سر می داد، حضرت علی علیه السلام را مأمور کرد تا پرچم را از دست سعد بگیرد و ندای عفو و رحمت را برای اهالی مکه بلند کند. آنگاه تمام کسانی را که او را آزار و اذیت کرده و یا دشنام داده بودند و یا حتی در صدد کشتنش برآمده بودند بخشید. حتی وحشی، قاتل حمزه سیدالشهدا که قبلاً دستور قتل او را صادر کرده بود، وقتی اسلام آورد و در نزد پیامبر چگونگی به شهادت رساندن حمزه را تشریح کرد به او فرمود، بر خیز و برو و روی خود را از من پنهان کن!

در کارزار احد که دندانش را با سنگ شکستند و چهره مبارکش زخمی و خون آلود شد، این حادثه بر اصحاب و یاران حضرت بسیار سخت و گران آمد لذا درخواست نمودند تا حضرت کفار و دشمنان را نفرین کند، اما رسول اعظم فرمود: من برای لعن و نفرین مبعوث نشده ام، بلکه من پیامبر رحمت هستم، آن گاه دست به دعا برداشت و فرمود: خدایا قوم مرا هدایت کن زیرا آن ها نادان هستند.

14. رفتار با کودکان رسول گرامی اسلام در نهایت سادگی و مهربانی با کودکان خواه فرزندان خود یا اطفال دیگران محبت مخصوصی داشت. از این رو درباره حضرت نوشته اند که: «وَاللَّطْفُ بِالصَّبِيَانِ مِنْ عَادَةِ الرَّسُولِ» یعنی مهربانی درباره کودکان راه و رسم پیامبر بود. و این رفتار پیامبر در ایجاد عوامل شخصیت در کودکان تأثیر فراوانی داشت که چند نمونه آن را بیان می نمایم.

احترام: روزی امام حسن و امام حسین در سنین کودکی بر پیامبر وارد شدند؛ حضرت به احترام آنان از جا برخاست و به انتظار ایستاد. چون کودکان در راه رفتن ضعیف بودند پیامبر به سوی آنان رفت و هر دو را بر دوش خود سوار کرد.

هدیه: نقل شده است که گردنبندی از طلا برای حضرت رسول هدیه آورده بودند، حضرت گردنبند را به همسرانش نشان داد و پرسید آن را چگونه می بینید؟ گفتند ما تا کنون بهتر و نیکوتر از این را ندیده ایم! در این هنگام «آماه» دختر ابی العاص که کودکی بود و در گوشه منزل بازی می کرد به سوی حضرت آمد، حضرت رسول گردنبند را در گردن وی قرار داد و از نزد همسرانش بیرون رفت.

بوسیدن و نوازش: بوسه و نوازش نهال محبت و علاقه را در وجود فرزند زنده می سازد و فرزند هم از علاقه پدر و مادر نسبت به خود آگاه می شود. یکی از عادات رسول خدا نسبت به کودکان بوسیدن و نوازش آنان بوده است. مردی نزد رسول خدا (ص) آمد و گفت من تا کنون هرگز کودکی را نبوسیده ام.

وقتی که از حضور پیامبر بیرون رفت، پیامبر فرمود این مرد به نظر من اهل آتش است. جالب این است که احترام پیامبر نسبت به فرزندان خود یا دیگران بیشتر در حضور جمع و عموم مردم انجام می شد. از این رو بسیاری از اصحاب نوازش و محبت و بوسیدن امام حسن و امام حسین را بارها از سوی پیامبر اکرم (ص) مشاهده کرده اند.

زمخشری گوید: رسول خدا (ص) امام حسن (ع) را که کودک بود در بر گرفت و بوسید، سپس او را روی زانوی خود نهاد، آنگاه امام حسین (ع) را در بر گرفت و بوسید و روی زانوی چپ خود نشانید.

پیامبر به فرزندان شهیدان همانند فرزندان خود محبت می ورزید. روزی یکی از کودکان از پیامبر پرسید که پدرم

چگونه شهید شد؟ آن حضرت فرمود او در راه خدا به شهادت رسید، درود و رحمت خداوند بر او باد. کودک گریست، پیامبر دست بر سر کودک کشید و سوار مرکب خود کرد و به او فرمود: آیا دوست نداری که من جای پدرت باشم؟

15. رفتار با جوانان هنگامی که رسول اعظم (ص) دعوت خود را در مکه آشکارا آغاز کرد، جوانان با صفای باطن و لطافت روحشان اولین کسانی بودند که به ندای روحبخش آن حضرت لبیک گفتند. رفتار و سیره اخلاقی و سخنان هدایتگر پیامبر برای همه طبقات مؤثر بود، اما در جوانان که به ملکوت نزدیک تراند تأثیر عمیقی به وجود آورده بود.

هنگامی که مصعب بن عمیر نماینده مخصوص پیامبر برای آموزش قرآن و نشر معارف دینی به مدینه آمد، در منزل اسعد بن زراره سکونت یافت. وی روزها به محل تجمع قبایل خزرج می رفت و آنان را به دین اسلام دعوت می کرد، و جوانان بیش از بزرگسالان دعوت او را می پذیرفتند. علاوه بر حضرت علی (ع) که صفات و فضایل منحصر به فرد داشت، سعد بن مالک، جعفر بن ابیطالب، عمر بن حزم، مصعب بن عمیر، عتاب بن اسید، معاذ بن جبل، اسامة بن زید، جوانانی دلاور، برومند، و پرشوری بودند که در مکتب سیره اخلاقی و مدیریتی پیامبر تربیت یافته بودند و پیامبر هر کدام را برای مسئولیت های مهم برگزید و این جوانان در عرصه مدیریت اجتماعی و فرماندهی نظامی لیاقت و شایستگی های خاصی داشتند و هرکدام کارنامه درخشانی از خدمتگزاری بر جای گذاشتند و نزد پیامبر دارای جایگاه و احترام خاصی بودند.

نکته مهم دیگر، نوع رفتار دقیق و جالب پیامبر با جوانانی است که به سوی گناه سوق داده شده بودند. از نظر روان شناسی جوانان، این رفتار درسی برای بزرگان و والدین محسوب می شود که یک نمونه را یاد آور می شویم. امام باقر (ع) فرمود: فضل بن عباس که جوانی خوش سیما بود در روز عید قربان در کنار پیامبر (ص) سوار شده بود. در این هنگام زن زیبارویی از قبیله خثعم همراه برادرش برای پرسیدن احکام شرعی نزد رسول خدا (ص) آمد. برادر آن زن مسائل دینی را می پرسید و فضل بن عباس به آن زن نگاه می کرد. رسول خدا، چانه فضل را گرفت و صورت او را از سوی آن زن برگردانید تا به او نگاه نکند. هنگامی که رسول خدا (ص) از پاسخ دادن به مسائل آن مرد عرب فارغ شد، شانه فضل بن عباس را گرفت و به او فرمود: «آیا نمی دانی که روزگار می گذرد؟ اگر کسی چشم و زبان خود را حفظ کند، خداوند پاداش حج قبول شده را در نامه عمل او ثبت خواهد کرد!» این برخورد پیامبر با یک جوان خلافکار بهترین الگو برای مسلمانان است تا با توجه به روحیات و خصوصیات و لطافت روحی و اخلاقی جوانان برای جلوگیری از گناهان آنان و ناهنجاری های اجتماعی به شیوه دقیق صحیح و مؤثر امر به معروف و نهی از منکر نمایند.

16. عبادت و دعا و تهجد پیامبر اعظم با تمام اشتیاق انتظار وقت نماز را می کشید و مراقب آن بود، چون وقت نماز می رسید به مؤذنش می فرمود ای بلال مرا راحت کن! یکی از همسران حضرت می گوید ما با او سخن می گفتیم، همین که موقع نماز می شد، او را حالتی دست می داد که گویی نه او ما را می شناسد و نه ما او را می شناسیم و هیچ کاری را بر آن مقدم نمی داشت. هر گاه به نماز می ایستاد، از خوف خدا رنگ چهره اش تغییر می کرد و صدای سوزناک از او به گوش می

رسید، و آنچنان اشک می ریخت که جای سجده اش خیس می شد و آن قدر گریه می کرد که برخی اوقات بی هوش می شد، دو برابر نمازهای واجب نماز مستحبی می خواند و نیز دو برابر روزه های واجب روزه مستحبی می گرفت . ماه شعبان ، ایام البیض هر ماه و پنج شنبه دهه اول ، چهارشنبه دهه دوم و پنج شنبه دهه سوم هر ماه را روزه می گرفت ، با خرمای تازه یا خشک و یا کشمش افطار می کرد و در دهه آخر ماه رمضان رختخواب خود را جمع می کرد و در مسجد معتکف می شد. در ماه رمضان اسیران را آزاد می کرد و به سائلین هدایایی عطا می فرمود.

پیامبر در تمام ایام سال و ساعات روز و مناسبت های مختلف به خواندن ادعیه مداومت داشت . در شدايد و آسایش ، جنگ و صلح ، ذکر خدا و دعا و التجاء به درگاه الهی را مد نظر داشت برای اعمال واجب ، مستحبی یا مباح و هنگام پرهیز از مکروهات و محرمات دعاهاى مخصوص را قرائت می کرد. هنگام دعا خواندن دست ها را به سوی آسمان بلند می کرد و چون فقیری که غذا طلب می کند، به گونه ای تضرع و زاری می کرد، که نزدیک بود عبای حضرت از دوش او بر زمین افتد.

نتیجه گیری

آنچه مرور کردیم بخشی از گنجینه عظیم فضایل انسانی و قطره ای از دریای بیکران اخلاق نبوی بود، پیامبر توسط هدایت های خاص و عام الهی تربیت یافت به گونه ای که خود فرمود: «أَدَّبَنِي رَبِّي وَ أَحْسَنَ تَأْدِيبِي» خدایم مرا ادب آموخت و چه نیکو مرا ادب آموخته است . از این رو خداوند در قرآن کریم رسول گرامی را در طول تاریخ تا پایان خلقت ، بزرگترین سرمشق بشریت معرفی کرده است . زیرا شخصیت پیامبر (ص) نمونه ای برای یک روزگار، یک نسل ، یک ملت ، یک مذهب و یک مکان خاص نمی باشد، بلکه یک سمبل جهانی و همیشگی برای تمام مردم در همه زمان هاست .

حسن ختام را به سفارش امام صادق علیه السلام مزین می کنیم که فرمود:

إِنَّ اللَّهَ خَصَّ رَسُولَهُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَ امْتَحَنُوا أَنْفُسَكُمْ فَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ فَاحَمِدُوا اللَّهَ وَ ارْغَبُوا إِلَيْهِ فِي الزِّيَادَةِ مِنْهَا. خدای تعالی رسول خود را به صفات پسندیده اختصاص داد، پس شما خود را بیازمایید: هر گاه این صفات نیک پیامبری در شما بود، خدای را سپاس گوئید و در تقویت و افزایش آن صفات بکوشید. شایسته است سیاست های مدیریت فرهنگی سپاه بیشتر به گسترش اخلاق اسلامی و اخلاق نبوی در کارکنان گرایش پیدا کند تا سپاهیان مظهر کامل سرباز اسلام و جمهوری اسلامی باشند. یکی از راه های گسترش و ترویج اخلاق ، استمرار و تکرار مباحث اخلاقی برای رسوخ در جان افراد است تا بتوانند با ممارست و تذکرهاى مداوم روح خود را به زیبایی های فضایل آراسته نمایند و در این راه از هیچ کوششی فرو گذار ننمایند. ان شاء الله .